

درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

عباس شاکری* فرشاد مؤمنی**
امیر خادم‌علیزاده*** سیده‌های مخزن موسوی****

چکیده

در اسلام هیچ موضوعی به اندازه عدالت در مسائل اجتماعی و فردی مورد توجه قرار نگرفته است و چون کارکرد اصلی تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت و قسط اسلامی می‌باشد؛ توجه به موضوع عدالت اقتصادی و رصد حرکت اقتصاد به سمت وضعیت عادلانه مطلوب، امری ضروری است. مسئله تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و در قلمرو ادبیات اندیشه اسلامی و دانش اقتصادی ارائه می‌شود؛ تبیین و تدوین شاخص ترکیبی برای عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد: «توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها»، «توجه به حق منابع و عوامل تولید»، «توجه به حق نسل‌های آینده»، «سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت»، «بازتوزیع درآمد و ثروت» و «توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه»؛ از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی هستند؛ همچنین رابطه مثبت میان «شاخص فیزیکی کیفیت زندگی»، «میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی»، «میزان بهره‌وری کل عوامل تولید»، «شاخص رفاه آمارتیا سن»، «شاخص نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیر بنایی، به برداشت از منابع طبیعی» و «شاخص نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی» و در مقابل رابطه منفی «شاخص فوستر، گریر و توریک»، با روند عدالت اقتصادی برقرار می‌باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، شاخص ترکیبی، عدالت اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: C43, D63, I30, O15

*. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول). Email: shakeri.abbas@gmail.com.

** استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی. Email: farshad.momeni@gmail.com.

*** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی. Email: aalizadeh@atu.ac.ir.

**** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. Email: s.20.mousavi@gmail.com.

۱. مقدمه

عدالت از جمله مفاهیمی است که در همه اعصار مورد توجه بوده و تفسیرهای مختلفی در تاریخ جوامع انسانی به خود دیده است و مکاتب گوناگون هر یک به فراخور حال، در صدد ارائه تعریفی از عدالت، تبیین ابعاد، راه‌های تحقق و چگونگی مبارزه با بی‌عدالتی هستند و یکی از مهم‌ترین اهداف فعالیت‌های خود را دستیابی به عدالت اعلام می‌دارند.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، عدالت موجب حیات و بقای احکام* و سبب بی‌نیازی مردم می‌شود** و پیونددهنده انسان‌ها در داخل اجتماع و عامل انسجام است و عدم وجود آن باعث فروپاشی نظام و اجتماع می‌گردد که مؤید آن، بیان امیر مؤمنان علی علیه السلام است که ملاک حکمرانی صحیح را اجرای عدالت دانسته‌اند*** و در مقابل، ظلم را عامل جدایی در جامعه برشمرده‌اند؛**** لذا وظیفه اصلی حاکمان و حکومت‌های اسلامی رعایت عدالت، گسترش آن و تربیت انسان‌های عدالت‌محور و عدالت‌خواه خواهد بود.

از آنجایی که در متون اسلامی کمتر موضوعی به اندازه عدالت مورد توجه قرار گرفته است و فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت و قسط اسلامی بیان شده است؛ توجه به مسئله عدالت اقتصادی امری حیاتی است و برای رصد حرکت اقتصاد به سمت وضعیت عادلانه مطلوب و همچنین علامت‌دهی و ارائه طریق برای وصول به این مهم، تدوین شاخصی برای تبیین عدالت اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. این مهم پس از بیان تعریف گسترده از عدالت با رویکردی اسلامی، تبیین مفهوم آن و همچنین تدوین چارچوب نظری تلفیقی صورت پذیرفته است. پرسش اصلی پژوهش این است که در چارچوب تعریف گسترده عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی «مؤلفه‌های اصلی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی کدامند؟» که در راستای یافتن پاسخ منطقی این پرسش، فرضیه «توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و

*. قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹).

** اشاره به فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عَدِلَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۶۸).

*** «مَلَائِكُ السَّيِّئَاتِ الْعَدْلُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۱).

**** «الْعَدْلُ مَأْلُوفُ الْجَوْرِ عَسُوفُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶).

عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه؛ از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشند» به لحاظ نظری و با استنادات معتبر اقتصادی و اسلامی آزمون می‌شود.

در بخش دوم، ادبیات پژوهش بیان می‌گردد. بخش سوم حاوی مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی است و بخش چهارم شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی را معرفی می‌کند. خلاصه و نتایج در بخش پنجم خواهد آمد.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. مفاهیم پایه

۲-۱-۱. تعریف واژگانی عدالت

در بین تعریف‌های ارائه‌شده در مورد عدالت برخی عدالت را به معنای مساوات و برابری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵)، برخی به معنای استقامت، یعنی راست و موزون (الأزهری الهروی، ۲۰۰۱م، ص ۱۲۴) و برخی ضد ظلم و جور (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶)، تعریف نموده‌اند. برخی نیز آن را به معنای به حق حکم کردن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۰) تعبیر کرده‌اند؛ یعنی به ازای کار خوب، جزای خوب و به ازای کار بد جزای بد داده می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۱). برخی نیز بر این باورند که عدل میانه‌روی در امور است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶) و عادل کسی است که همه چیز را در موضع خودش قرار دهد (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۴۲۱). قرشی عدل را به برابری تعریف می‌کند و می‌گوید آنچه گفته‌اند از قبیل: مثل، فدیة، ضدّ جور، همه از مصادیق معنی اول‌اند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۰۱). شیخ طوسی نیز عدل و حق و انصاف را نظیر هم می‌داند و همچنین عدل را نقیض ظلم و جور تعریف می‌کند (طوسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۵).

۲-۱-۲. تعریف اصطلاحی عدالت

معانی مختلفی برای عدالت ذکر شده؛ از جمله قراردادن هرچیز در جای خودش و دادن حق هر صاحب حقی به او که منبعت از کلام امیر مؤمنان علیه السلام است که فرمود: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ

مَوَاضِعَهَا» (امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۳)؛ عدالت امور را در جایگاه شایسته خود قرار می‌دهد و فرمود: «فَضَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْفَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» (امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۴)؛ هر چیز را در جای خودش قرار ده و هر کاری را در وقت خود انجام بده؛ همچنین در تعریف عدالت گفته شده «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ»؛ عدالت به معنای دادن حق هر صاحب حقی به اوست که این عبارت نیز سخن امیر مؤمنان علیه السلام می‌باشد.

علامه طباطبایی، عدالت را چنین توصیف کرده‌اند: «و هی اعطاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ مِنَ الْقَوَى حَقَّهُ وَ وَضَعُهُ فِي مَوْضِعِ الَّذِي يَنْبَغِي لَهُ وَ الْجَانِبَانِ فِيهَا الظُّلْمُ وَ الْإِنْظَامُ» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ص ۳۷۱). عدالت آن است که حق هر قوه‌ای را به او بدهی و هر قوه‌ای را در جای خودش مصرف کنی و دو طرف افراط و تفریط عدالت، ظلم و انظلام می‌شود. شهید مطهری مجموعاً چهار معنی و یا چهار مورد استعمال برای عدالت ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: «موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق هر صاحب حقی، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد» (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۵۶) و معنای سوم را معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند؛ اختیار می‌کند. مرحوم شهید صدر، عدالت را یکی از سه اصل سیستم اقتصاد اسلامی برمی‌شمارد و آن را شامل دو اصل فرعی تکافل عمومی و توازن اجتماعی می‌داند و بر این باور است که توزیع در جامعه اسلامی قادر به محقق کردن عدالت می‌باشد (صدر، ۱۳۴۸، ص ۳۳۲).

لازم است ذکر شود عدالت اختصاص به حوزه‌ای خاص از حوزه‌های زندگی ندارد و از آنجایی که بنیان نظام آفرینش و همچنین قوانین و تشریحات الهی بر پایه عدالت نهاده شده است بر این اساس در همه حوزه‌های زندگی از جمله حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، خانوادگی، شخصی و ... می‌بایست اصل عدالت مورد توجه و رعایت قرار گیرد و البته که رعایت عدالت در این حوزه‌ها دارای همپوشانی است؛ یعنی به‌طور خاص در این نوشتار، بین وجوه اقتصادی و غیراقتصادی عدالت همپوشانی وجود دارد و با لحاظ نمودن این عنصر و با توجه به تعریف‌هایی که ارائه شد، جنبه اقتصادی عدالت ناظر بر مؤلفه‌هایی است که به‌صورت عملیاتی در تعریف زیر مشخص شده است: «عدالت اقتصادی دادن حق هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه منابع،

امکانات و فرصت‌ها با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی؛ قبل از تولید، در فرایند تولید و پس از تولید، می‌باشد».

انصاف در تعریف فوق از برترین فضایل اخلاقی است* و به معنای مراعات برابری و مساوات در رفتار است؛ از این رو با عدالت قسطی نزدیک و هم‌معناست؛ زیرا عدالت قسطی به معنای سهم هر چیزی را به مساوات به آنان دادن و حقوق مردم را به مساوات و بدون تبعیض رعایت کردن است (آزغ و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲). «انصاف» در مهم‌ترین و پذیرفته‌ترین تعریف خود که به قاعده طلایی عدالت موسوم می‌باشد بدین معناست که آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هرآنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز نپسند.** مقاله حاضر بر اساس این تعریف از عدالت، در صدد بیان شاخصی برای اندازه‌گیری میزان عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی است.

۲-۲. پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های داخلی

در ایران مطالعات زیادی در زمینه عدالت به‌طور عام و شاخص عدالت به‌طور خاص، صورت گرفته است. در این قسمت مطالعاتی که جنبه سنجش عدالت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹) در مقاله «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد» ضمن ارائه تصویری اجمالی از مفهوم و ماهیت عدالت و عدالت اقتصادی، چهار قاعده کلی را برای ارزیابی عادلانه بودن اقتصاد از تعالیم شریعت اسلام استخراج کرده‌اند: ۱. سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید؛ ۲. حق برخورداری برابر؛ ۳. توازن نسبی ثروت و درآمد؛ ۴. قرارگرفتن اموال در موضع قوامی آن.

عیوضلو (۱۳۸۶) در تحقیق «شاخص‌های عدالت اقتصادی» معتقد است نگاه صرفاً توزیعی به عدالت منعکس‌کننده تمام واقعیت عدالت اقتصادی نیست و ما را در ارزیابی عدالت اقتصادی به اشتباه می‌اندازد و ممکن است توزیع عادلانه فقر را جایگزین مفهوم

*. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الانصافُ أفضلُ الفضائلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۴).

** همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مَا كَرِهَتْهُ لِنَفْسِكَ فَكَرِهَتْ لِعَيْرِكَ وَمَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحْبَبْتَهُ لِأَخِيكَ» (ابن

شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴).

عدالت اقتصادی سازیم. وی بر این باورست که به منظور دوری از این اشتباه ضروری است به نحوی معیار کارایی را نیز در ارزیابی‌های عدالت اقتصادی وارد سازیم؛ لذا وی شاخص ترکیبی نسبی عدالت اقتصادی را به صورت حاصل جمع درصدی از میزان بهبود نسبی شاخص رفاه آماریتیا سن و شاخص توسعه انسانی و معکوس روند اندازه شاخص اتلاف پیشنهاد کرده است.

رجایی و معلمی (۱۳۹۰) در مقاله «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن»، بر این باورند که عدالت اقتصادی در عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف و فرصت‌ها و خدمات عمومی ظهور پیدا می‌کند و شاخص‌های برابری، قیمت بازاری، حد کفاف، اعتدال عرفی، بهره‌وری و اسراف را برای سنجش شاخص ترکیبی عدالت پیشنهاد می‌کنند.

رجایی (۱۳۹۲) در مقاله «مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی» به دنبال تبیین مفهوم عدالت اقتصادی در اندیشه اسلامی و پیشنهاد شاخصی برای سنجش آن است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که عدالت اقتصادی در سطح جامعه، به مفهوم توازن و قرارگرفتن سطح زندگی در محدوده کفاف و عدم تداول ثروت در دست اغنیاست؛ بنابراین شاخص نسبت خانواده‌های در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها، شاخص‌های نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان و شاخص نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه را به عنوان شاخص‌های عدالت به معنای «توازن» پیشنهاد می‌کند.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) در مقاله «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلام در ایران» با هدف معرفی شاخص ترکیبی جدید برای عدالت اقتصادی، مؤلفه‌هایی را معرفی کرده‌اند که در جدول ۱ قابل مشاهده است. ایشان بر اساس شاخص به دست آمده، عدالت اقتصادی ایران را در دهه ۸۰ مورد محاسبه قرار داده‌اند و این نتیجه را گرفته‌اند که روند شاخص کل با شیب بسیار اندکی نزولی بوده است.

۲-۳. پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های خارجی

عدالت در زمره آن دسته از مسائل است که تقریباً در آثار و عقاید کلیه مکاتب، به آن اشاره شده است و آثار و مطالعاتی زیادی در این زمینه صورت گرفته است؛ اما در این بخش نیز تنها به مطالعاتی که جنبه سنجش عدالت دارند، پرداخته می‌شود.

گروهی برای سنجش میزان عدالت، برابری سطح بهداشت را مدنظر قرار داده‌اند و برخی از آنها به دنبال میزان امید به زندگی به عنوان شاخص بهداشت رفته‌اند (Bleichrodt & Doorslaer, 2006) و برخی قائل به این هستند که آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش و رشد استعدادهاست (Unterhalter, 2005)؛ اما توزیع درآمد، حاوی توزیع عملکردی، توزیع مجدد، مباحث مربوط به مالیات و ... است و سرانجام در بحث مصرف، مطلوبیت و تابع رفاه مطرح می‌باشد.

گروهی دیگر، با مورد توجه قرارداد درآمد به عنوان معیار کلی، ایجاد برابری در درآمد را نشان از وجود عدالت و برابری دانسته و معیارهایی را برای سنجش میزان نابرابری درآمد ارائه نموده‌اند که از آن قبیل می‌توان به مطالعه /تکینسون (Atkinson, 1970)، کاکوانی (Kakwani, 1975)، بروکمن (Bruckmann, 1985)، لیتچفیلد (Litchfield, 1999) و ... اشاره نمود. در این میان آلینگهام (Allingham, 1972) در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری نابرابری» که در پی ایجاد شاخص نابرابری است؛ بر این عقیده است که برای اندازه‌گیری، باید کلیه عواملی که در ایجاد رفاه و مطلوبیت افراد جامعه تأثیر می‌گذارند، در نظر گرفته شوند؛ نه اینکه تنها به یکی از آنها پرداخته شود (Allingham, 1972, p.163).

گروهی دیگر کاهش فقر را نشان از عادلانه بودن سیاست‌ها و رفتارها دانسته و با حائز اهمیت دانستن آن، به ارائه معیارهایی جهت محاسبه میزان فقر در جوامع پرداخته‌اند، از جمله سن (Sen, 1976)، تاکایاما (Takayama, 1979)، توریک، فوستر و گریب (Thorbecke, 1984 Foster & Greer, 1984)، للی (Lelli, 2001)، قزلباش (Qizilbash, 2002) و ... مطالعاتی را انجام داده‌اند.

در دهه ۱۹۷۰ با بدتر شدن وضعیت نسبی درآمد فقیران و افزایش بیکاری، برای اصلاح شاخص توسعه و عدالت تلاش‌هایی انجام گرفت. در آن دوره کار اساسی درباره توسعه با عنوان «رشد عادلانه» یا «توزیع مجدد رشد» به ظهور رسید. این نگرش با دیدگاه‌های قبلی متفاوت بود؛ به‌ویژه در پیش‌کشیدن موضوعاتی مانند کاهش وضعیت درآمد نسبی فقیران، رشد بیکاری و افزایش تعداد فقرا و غیره (Dar & Otiti, 2002, p.2)؛ بنابراین از آن زمان تاکنون تلاش‌های گوناگونی برای معرفی شاخص‌های ترکیبی توسعه که به نحوی بیانگر میزان عدالت نیز می‌باشد؛ انجام گرفته است. مهم‌ترین تلاشی که در این زمینه انجام گرفت

«شاخص فیزیکی کیفیت زندگی» (Physical quality-of-life index) بود. این شاخص بر امید به زندگی در پایان یک‌سالگی، نرخ مرگ‌ومیر کودکان و نرخ باسوادی مبتنی می‌باشد (Morris, 1979, p.3).

کلونگل و ماتجو (۱۹۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «عادلان‌بودن در مقابل غیر عادلانه‌بودن اصول عدالت توزیعی» برای ارزیابی میزان عادلانه‌بودن سیستم‌های توزیع در کشورهای مختلف، چهار اصل برابری فرصت‌ها، دریافت نیازها، پاداش بر اساس کارایی و پاداش بر اساس توانایی را معرفی کرده‌اند (Kluegel & Mateju, 1995, p.214).

جاسو (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عدالت: اندازه‌گیری، برآورد و تجزیه و تحلیل پاداش واقعی و پاداش عادلانه» سعی در بیان شیوه سنجیدن و تخمین زدن مقادیر اساسی عدالت توزیعی دارد. وی روش‌های گوناگونی را برای سنجش پاداش حقیقی (Actual Reward) و پاداش عادلانه (Just Reward)، برای خود و دیگران، از طرق مستقیم و غیر مستقیم آزمون می‌کند و به نظر می‌رسد بی‌عدالتی را ناشی از فقر و نابرابری می‌داند (Jasso, 2007, p.28).

اسمیث (۲۰۱۰) در مقاله «فساد درک شده، عدالت توزیعی و مشروعیت نظام طبقه‌بندی اجتماعی در جمهوری چک» بر اساس شاخص کلونگل و ماتجو بیان می‌دارد که عدالت توزیعی می‌تواند با شش متغیر متفاوت اندازه‌گیری شود که سه مورد مربوط به هنجارهای برابری و سه مورد مربوط به هنجارهای نابرابری است. این متغیرها عبارت‌اند از: نگهداری درآمد، کار سخت، انتقال ثروت، سهم‌های مساوی، نیازها و خانواده (Smith, 2010, pp.446-447).

انسته و ویس (۲۰۱۳) در نوشتاری تحت عنوان «دیده‌بانی عدالت بین‌المللی ۲۰۱۳»، شاخصی ترکیبی برای محاسبه عدالت ارائه داده‌اند که شامل شش بُعد از عدالت: عدالت توزیعی، عدالت عملکرد، فرصت‌های برابر، برابری درآمد، عدالت رویه‌ای و عدالت بین نسلی، می‌گردد. هر یک از این ابعاد شامل چندین شاخص است که امکان اندازه‌گیری آن بُعد از عدالت را فراهم می‌سازد (Enste & Wies, 2013, p.16).

مرکل و جیبلر (۲۰۱۴) در مقاله «سنجش عدالت اجتماعی و حاکمیت پایدار در OECD» ضمن بیان دو اصل اساسی «توزیع برابر کالاهای اولیه» و «فرصت‌های برابر در توسعه

توانایی‌ها» برای عدالت؛ هفت بُعد را برمی‌شمارد که برای محاسبه شاخص عدالت باید بدان‌ها توجه نمود: پیشگیری از فقر، آموزش و پرورش، کار، جبران عمومی، توزیع درآمد، عدالت بین نسلی و تبعیض (Merkel & Giebler, 2014, p.87).

کورنیونکو و سیریامکینا (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «عدالت به عنوان شاخصی از رفاه در جامعه مدرن» بیان می‌دارند برای برقراری عدالت باید چند مؤلفه وجود داشته باشد که اهم آنها عبارت‌اند از: مالکیت عمومی در کالاهای تولیدی، برابری اجتماعی کامل مردم، توسعه همه‌جانبه هر فرد، جاری‌شدن منابع ثروت اجتماعی، کار به عنوان ضرورت حیاتی واجب (Kornienko & Syryamkina, 2015, pp.125-126).

کادر و پودرافک (۲۰۱۵) در مقاله «جهانی‌سازی و عدالت اجتماعی در کشورهای OECD» به محاسبه شاخصی ترکیبی برای عدالت اجتماعی پرداخته‌اند که مبتنی بر پنج زیر شاخص پیشگیری از فقر، دسترسی عادلانه به آموزش، مشارکت در بازار کار، انسجام اجتماعی و برابری و عدالت بین نسلی می‌باشد (Kauder & Potrafke, 2015, p.8).

اسچراد تیچلر و همکاران (۲۰۱۷) در گزارش «عدالت اجتماعی در اروپا - گزارش شاخص ۲۰۱۷» شاخصی ترکیبی از عدالت اجتماعی ارائه داده‌اند که متشکل از شش شاخص پیشگیری از فقر، آموزش عادلانه، دسترسی به بازار کار، انسجام اجتماعی و عدم تبعیض، سلامت و عدالت بین نسلی می‌باشد (Schraad-Tischler & Schiller, 2017, pp.146-149).

پس از مرور ادبیات موجود، نوآوری پژوهش پیش رو ارائه تعریفی موسع از عدالت اقتصادی و همچنین کوشش در تدوین شاخصی است که بر اساس آن بتوان دیدگاه‌های متمایز و پراکنده در زمینه عدالت اقتصادی را سامان داده و معیاری یکسان برای سنجش میزان عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی ارائه نمود. وجه تمایز شاخص ترکیبی پیشنهادی، در نظر گرفتن تمامی مراحل زندگی و ترکیب مؤلفه‌های توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه می‌باشد. گرچه برخی از مؤلفه‌های

مورد استفاده در این نوشتار، در مطالعات گذشته نیز مطرح شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد تجمیع این مؤلفه‌ها با هم، قدرت انعکاس‌دهندگی میزان عدالت را بالا می‌برد.

۳. مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

در این بخش ابتدا چارچوب نظری شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی تبیین شده و در مرحله بعد مؤلفه‌های این شاخص ارائه می‌شود.

۳-۱. چارچوب نظری تلفیقی برای شاخص عدالت اقتصادی

ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام، بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوان دارند و شاید بتوان هدف نظام اقتصادی اسلام را برقراری عدالت اقتصادی به معنای گسترده آن عنوان نمود. انسان‌ها در طول حیات خود مراحل گوناگونی را می‌گذرانند که برای تحقق کامل عدالت، باید در تمامی این مراحل عدالت برقرار باشد و معیاری که به عنوان نشان‌دهنده عدالت بیان می‌گردد، توان محاسبه میزان عدالت را در تمامی مراحل زندگی، داشته باشد. در این راستا شاید نتوان یک نظریه خاص را به عنوان چارچوب نظری این پژوهش پذیرفت؛ لذا با تلفیق منطقی چند نظریه و قضایا و گزاره‌های منسجم، نوعی چارچوب نظری ترکیبی یا تلفیقی که از انسجام درونی و نظری لازم برخوردار باشد، انتخاب می‌شود؛ بنابراین چارچوب نظری ترکیبی نوشتار پیش رو در زمینه عدالت اقتصادی بر پایه‌های نظری زیر استوار است:

عدالت در قلمرو زندگی انسان به‌طورکلی در چارچوب درون نسلی و بین نسلی موضوعیت می‌یابد. عدالت در چارچوب درون نسلی به مراحل تولید اقتصادی مربوط می‌شود. مرحله قبل از تولید، مرحله تولید و مرحله بعد از تولید که با توجه به تعریف ارائه‌شده از عدالت، باید برای هر کدام از این مراحل، شاخصی مناسب تعریف نمود.

الف) عدالت درون نسلی

برای بیان نظریه‌ای که نسبت به مطالعات ارائه‌شده جامعیت بیشتری داشته باشد، بر مبنای دیدگاه شهید صدر که قائل به این است که عدالت اسلامی در نظریه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف به عنوان مراحل چرخه فعالیت اقتصادی قابل ردیابی است و اینکه نظریه

عدالت اسلامی، با توسعه منظر ورود به مقوله توزیع، آن را در گستره وسیع توزیع ثروت، از توزیع منابع مادی تولید تا توزیع ثروت‌های تولیدشده شامل می‌شود (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۴۷۹)؛ در این مطالعه زندگی انسان به سه مرحله کلی تقسیم می‌شود، یک مرحله قبل از فرایند تولید، دوم مرحله تولید و سوم مرحله بعد از فرایند تولید.

نخست مرحله قبل از فرایند تولید شامل ویژگی‌های ذاتی، نظام اجتماعی، ویژگی‌های اکتسابی (بروز استعدادها) و توزیع منابع طبیعی (نهادهای تولید) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که بحث در مورد عدالت قبل از فرایند تولید، اشاره‌ای به وجود عدالت در قابلیت‌های افراد و جوامع مختلف دارد. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰) از آنجایی که امر به عدالت مطلق است و مقید به چیزی نیست، می‌توان از آن برداشت نمود که باید همیشه و در همه عرصه‌ها عدالت برقرار گردد. در احکام القرآن جصاص نیز ذیل این آیه چنین آمده است: «عدل همان انصاف است و آن از نظر عقل واجب است، قبل از آنکه نیازی به دستور شارع باشد و همانا بیان شارع در رعایت عدالت، در حقیقت تأکید بر وجوب است» (الجصاص، ۱۴۰۵ق، ص ۱۱). در این زمینه شهید مطهری در بیان معنایی از عدالت می‌گوید:

مساوات درباره قانون می‌تواند معنی پیدا کند؛ یعنی قانون افراد را به یک چشم نگاه کند، قانون خودش میان افراد تبعیض قائل نشود، بلکه رعایت استحقاق را بکند؛ به عبارت دیگر افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آنها به مساوات رفتار کند؛ اما افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آنها مساوی رفتار کند بلکه باید مطابق شرایط خودشان با آنها رفتار کند (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹).

دوم، عدالت در مرحله تولید را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد. اولین منظر بحث در مورد نحوه استفاده از عوامل در فرایند تولید است. در اندیشه اسلامی می‌توان خطوط کلی این رویکرد از عدالت را در آموزه‌های اسلامی به دست آورد مانند: «اموالتان را که خداوند مایه قوام [و تأمین زندگی] شما قرار داده به ابلهان ندهید ...» (نساء: ۵)؛ برداشت اولیه اقتصادی از آیه شریفه، لزوم بهره‌برداری بهینه از اموال می‌باشد؛ یعنی باید از اموال به بهترین نحو استفاده کرد و نباید آنها را در اختیار کسانی قرار داد که استفاده صحیح و بهینه

از آنها نمی‌کنند؛ به عبارت دیگر استفاده غیر عاقلانه و غیر بهینه از اموال که موجب قوام اقتصاد جامعه است؛ ممنوع می‌باشد یا بیان نورانی حضرت امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق که در حقوق اموال فرمودند: «اما حق دارایی این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز به راه حلالش صرف نکنی و آن را بی‌جا خرج نکنی و از راه‌های درستش به نادرست منتقل نسازی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۷) برای عادلانه‌بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نگردد تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و ...) به‌صورت بهینه استفاده نمود؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را افزایش داد؛ به عبارت دیگر بر مبنای تعریف عدالت با «وضع الشيء فی موضعه» (قرارگیری هر چیز در جای خودش) و بر اساس آموزه‌های اسلامی که معیار عدالت در به‌کارگیری عوامل در تولید و مصرف، رعایت حد اعتدال است؛ بهره‌وری مناسب و عدم اسراف در بهره‌گیری از عوامل تولید امری اجتناب‌ناپذیر است.

سوم، مرحله بعد از فرایند تولید است که شامل توزیع محصول بین عوامل تولید، توزیع مجدد درآمد، درآمد قابل تصرف، مصرف و همچنین رفاه و مطلوبیت می‌گردد. در این مرحله سه مطلب بسیار مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اول، توزیع عادلانه درآمد؛ دوم، مصرف عادلانه و سوم، سطح رفاه جامعه. در این زمینه آیات و روایات فراوانی داریم که نیازمندان جامعه در اموال ثروتمندان حق دارند؛ از جمله کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام که می‌فرماید: «خدا بر مردمان ثروتمند واجب کرده است که به اندازه نیاز فقیران به ایشان بدهند؛ پس اگر فقیران سقوط کنند، یا رنج کار آنان را از پا درآورد، یا برهنه بمانند، سبب آن خودداری ثروتمندان از رساندن حق فقیران به ایشان است» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۵۰) و یا بیان امام صادق علیه السلام که فرمود: «همانا خداوند عز و جل برای فقیران در دارایی ثروتمندان به مقداری که آنان را بی‌نیاز کند سهمی قرار داد. اگر این مقدار برای فقیران کافی نبود، سهم آنان را زیادت‌تر می‌کرد. به‌درستی که گرفتاری فقیران بدان سبب است که اغنیا حق آنان را نپرداخته‌اند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۸).

ب) عدالت بین نسلی

ابعاد گوناگون عدالت که تاکنون در مورد آنها بحث شد مربوط به عدالت درون نسلی است؛ اما برای ایجاد شاخص ترکیبی جامع بیان‌کننده عدالت اقتصادی، باید حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود که تبلور آن در نحوه استفاده از منابع طبیعی می‌باشد و با گزاره «موهبت‌های طبیعی به همه نسل‌ها تعلق دارد» مورد توجه قرار می‌گیرد.

در نگاه اسلام همان‌طور که افراد گوناگون در درون یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت بر اساس عدالت مورد امضای شارع قرار گرفته است، افراد نسل‌های گوناگون نیز در این مسئله از فرصت‌های یکسان برخوردارند* و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد (فراهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). مؤید این مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام است؛ هنگامی که از ایشان در مورد مالکیت زمین‌های عراق پرسش می‌شود، می‌فرمایند: «این زمین‌ها متعلق به همه مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمان‌اند و کسانی که در آینده مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعد متولد می‌شوند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۷). آنچه این بُعد از چارچوب نظری تلفیقی درباره عدالت اقتصادی را با رویکردی اسلامی تقویت می‌کند، این سخن امام کاظم علیه السلام است که فرمود: «لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۲)؛ گویی نیازمندی نسل‌های بعدی به سبب محرومیت از برخی منابع طبیعی، دلیل بر عادلانه‌نبودن رفتار نسل فعلی در استفاده از منابع طبیعی است؛ لذا می‌توان گفت استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، مشروط به رعایت حفظ محیط زیست و رعایت حقوق نسل‌های آینده می‌باشد و هدف اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌هاست.

*. این مطلب از طریق دلیل عقلی و نقلی قابل استنباط است. دلیل عقلی که مؤید به دلیل کلامی نیز هست، برابری تمام مخلوقات الهی در تمامی بطون و نسل‌ها در برابر لطف و عدالت خداوند در اعطای نعمت‌ها و منابع طبیعی به آنها بنا بر قاعده لطف می‌باشد؛ همچنین این مطلب از روایات مذکور و آیاتی که عبارت «خلق لکم» دارند قابل استظهار اصولی است و ظهور نوعی، دارای اعتبار و حجیت اصولی در یافته‌های قرآنی می‌باشد.

۳-۲. مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی

انسان‌ها در طول حیات خود مراحل گوناگونی را می‌گذرانند که برای تحقق کامل عدالت، باید در تمامی این مراحل عدالت برقرار باشد و معیاری که به عنوان نشان‌دهنده عدالت بیان می‌گردد، توان محاسبه میزان عدالت را در تمامی مراحل زندگی بشر، داشته باشد. بر این اساس و برای بیان نظریه‌ای که نسبت به دیدگاه‌های ارائه‌شده جامعیت بیشتری داشته باشد، در این مطالعه زندگی انسان به سه مرحله کلی تقسیم می‌شود، یکی مرحله قبل از فرایند تولید، دوم مرحله تولید و سوم مرحله بعد از فرایند تولید و بر اساس این مراحل مؤلفه‌های زیر برای شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.

۳-۲-۱. توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها

شهید مطهری با بیان فرق بین تبعیض و تفاوت، به تساوی در فرصت‌ها و امکانات اشاره می‌کند: فرق است میان تبعیض و تفاوت، همچنان‌که در نظام تکوینی جهان تفاوت هست - و این تفاوت‌هاست که به جهان، زیبایی، تنوع، پیشروی و تکامل بخشیده است؛ اما تبعیض نیست. مدینه فاضله اسلامی مدینه ضد تبعیض است نه ضد تفاوت. جامعه اسلامی جامعه تساوی‌ها و برابری‌ها و برادری‌هاست؛ اما نه تساوی منفی، بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی به حساب‌نیابردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری و تساوی مثبت یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۲). شهید مطهری در عرصه‌ای دیگر معنای عدالت را چنین بیان می‌کند: «رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع‌نکردن از افاضه و رحمت و به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد» (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۵۷). بدیهی است در وضعیت تفاوت درجات استحقاق‌ها و یا هر رجحان ذاتی یا عرضی دیگر با سریان اصول تراحم یا اولویت ارجح بر مرجوح، اتصاف موارد به انصاف، متفاوت خواهد شد و تشخیص‌دهنده این تفاوت‌های منصفانه، استظهار نوعی و عرف خاص هر حوزه از طریق تطبیق این اصول اولویت بر مصادیق در خارج می‌باشد.

از جنبه دیگر استثنای اموال و منابع طبیعی از عوامل مهم تقسیم نابرابر و غیر عادلانه ثروت به حساب می‌آید و این کاری است بر خلاف سنت آفرینش و هدف از خلقت مواهب طبیعی؛ زیرا در نظام آفرینش اصل بر تعمیم نفع و بهره‌برداری عمومی است. از دیدگاه اسلام، منشأ حق برای انسان‌ها دو امر است کار و نیاز، تمام نعمت‌های جهان برای انسان آفریده شده؛ به عبارت دیگر علت غایی آفرینش نعمت‌های جهان، بهره‌مندی انسان از آنهاست. همه انسان‌ها از نعمت‌های جهان بالقوه حق دارند. بر اساس میزان کار و تلاش، این حق بالفعل می‌شود؛ همچنین انسان‌هایی که نیازمند هستند ولی توان کار ندارند، نیازشان حق آنها را درباره نعمت‌ها بالفعل می‌کند و بر حکومت و ثروتمندان لازم است نیاز آنها را در حد متعارف برطرف کنند. البته به نظر شهید صدر در راستای گردش ثروت در نظام توزیع اسلامی، علاوه بر «کار»، «نیاز» نیز به شکل فعال حضور دارد. پیامد پذیرش معیار کار، پذیرش نابرابری‌های اجتماعی (کمی و کیفی) با توجه به رسمیت‌شناختن تنوع استعدادهای انسانی است که معیار تفاوت در برخورداری‌هاست و پذیرش معیار نیاز با توجه به اصل تأمین اجتماعی (تکافل عامه و مداخله‌های دولت اسلامی) در عدالت اسلامی صورت پذیرفته است (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۳۸۶-۳۸۷).

به‌طور کلی برقراری عدالت و از میان رفتن ظلم در جامعه، با از میان رفتن ستم از روابط اجتماعی در امر توزیع حاصل می‌گردد و به تبع مسئله اصلی در ساحت اقتصادی حل می‌شود. ظلم و ستم انسان در حوزه اقتصاد، در توزیع بدتجسم می‌یابد و از این‌رو هرگاه ظلم از روابط اجتماعی در امر توزیع از میان برود، مشکل اساسی حیات اجتماعی برطرف می‌گردد؛ به گونه‌ای که حقوق فرد و جامعه قربانی یکدیگر نمی‌شود و نوعی سازگاری منافع فردی و منافع جمعی حاصل می‌گردد (صدر، ۱۳۹۳، ص ۳۹۹).

۳-۲-۲. توجه به حق منابع و عوامل تولید

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در عرصه عادلانه‌بودن رفتار اجتماع، بحث در مورد نحوه استفاده از عوامل در فرایند تولید است. بدین معنا که برای عادلانه‌بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نگردد تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل

تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و ...) به صورت بهینه استفاده کرد؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را حداکثر نمود.

بر مبنای تعریف عدالت با «وضع الشيء فی موضعه» و بر اساس آموزه‌های اسلامی که معیار عدالت در به‌کارگیری عوامل در تولید و مصرف، رعایت حد اعتدال است؛ بهره‌وری مناسب و عدم اسراف در بهره‌گیری از عوامل تولید امری اجتناب‌ناپذیر است. با افزایش بهره‌وری در فرایند تولید می‌توان با استفاده سطح معینی از نهاده‌ها به تولید بیشتری دست یافت و در صدد قوام و پایداری اجتماع برآمد کما اینکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از جمله عوامل بقای مسلمانان و اسلام آن است که اموال نزد کسانی قرار گیرد که حق مال [و مال‌داری] را بدانند و کار نیک کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵). این شاخص از نظر ارزش‌های اسلامی دارای محدودیت‌هایی مانند اصل عدم اسراف و تبذیر و اتلاف می‌باشد که در منابع دینی ما همچون قرآن و سنت دارای مستندات پر تعداد می‌باشند.

۳-۲-۳. توجه به حق نسل‌های آینده

همان‌گونه که اشاره شد، ابعاد گوناگون عدالت که تاکنون در مورد آنها بحث شد و همچنین ابعاد دیگری که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد، مربوط به عدالت درون نسلی است؛ اما برای ایجاد شاخص ترکیبی جامع بیان‌کننده عدالت اقتصادی، باید حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود. مفاهیم «برابری بین نسلی»، «انصاف بین نسلی» و «عدالت بین نسلی» در چارچوب اقتصاد متعارف و از منظر اکثر صاحب‌نظران، تقریباً فارغ از مجادلات مفهومی موجود در باب عدالت بوده و ناظر به این دغدغه است که کیفیت بهره‌مندی نسل حاضر از منابع طبیعی پایان‌پذیر ممکن است موجب شود این منابع مهم و مؤثر جهت رشد و توسعه اقتصادی آیندگان به میزان مطلوب به آنها نرسیده و در نتیجه، نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود دچار مشکل شوند که این به معنای «نابرابری»، «عدم انصاف» یا «بی‌عدالتی» بین نسل فعلی و نسل‌های بعد تلقی می‌شود (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۳۹). در نتیجه اگر روابط اقتصادی درون اجتماع به گونه‌ای باشد که رفاه نسل حاضر به قیمت از بین رفتن و یا کاهش رفاه نسل‌های بعدی تأمین نشود؛ بلکه این رفاه پایدار باشد و

همچنین برای برقراری رفاه نسل‌های آینده، نسل حاضر در مضیقه قرار نگیرد، آنگاه می‌توان بیان داشت که عدالت بین نسلی مراعات شده است.

در دیدگاه اسلامی همان‌گونه که افراد گوناگون در بین یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و امکانات و منابع باید به صورت عادلانه بین آنها تقسیم شود افراد نسل‌های دیگر نیز در این مسئله فرصت‌های یکسان دارند و تقدم یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر یا محرومیت آن نخواهد شد. خطاب‌های عام قرآن مبنی بر اینکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر و فرمان‌بردار شما قرار داده شده یا خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنهاست برای شما آفریده است یا زمین را خداوند برای مردم قرار داد، این آیه‌ها به طور صریح دلالت دارند بر اینکه نعمت‌های خداوند به افراد خاص، گروه‌های خاص و حتی مردم زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه همه مردم در بهره‌برداری از آنها شریک‌اند (فراهانی فرد، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲)؛ یعنی همگان دارای سهم برابر در بهره‌برداری می‌باشند. البته محدودیت این شاخص، توجه به نیازهای اساسی نسل موجود و عقلانیت اسلامی در انباشت برای نسل‌های آینده می‌باشد.

۳-۲-۴. سهم بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت

جامعه اسلامی جامعه طبیعی است نه جامعه تبعیضی و نه جامعه تساوی منفی؛ لذا انسان‌ها به میزان فعالیتی که انجام می‌دهند و همچنین نیازهایی که دارند، مستحق دریافت می‌باشند. در جامعه اسلامی فارغ از اینکه باید برای افرادی که توانایی خلق ارزش ندارند سهمی را در نظر گرفت؛ افرادی که در خلق ارزش نقش داشته‌اند باید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکتشان سهم دریافت نمایند. کما اینکه خدای متعال می‌فرماید: «برای مردان از آنچه [به‌وسیله کسب مشروع] به دست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [هم] از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء: ۳۲)؛ یعنی به افراد با توجه به میزان استحقاق و مشارکتی که در امر تولید داشته‌اند باید حق‌الزحمه پرداخت گردد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: «هر کس هر چیز را کسب کند از آن بهره‌ای خواهد داشت و هر کس هر بهره‌ای دارد به خاطر اکتسابی است که کرده» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۳۵).

از طرف دیگر پرداخت بیش از حق نیز مذموم می‌باشد و مورد تأیید نیست چنانچه امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «دادن مال در غیر حقش تبذیر و اسراف است» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۶). به‌طورکلی توزیع صحیح درآمد علاوه بر اینکه از پیش‌شرط‌های عدالت است، برای دوام، ثبات و تعادل اقتصادی و رشد آن هم لازم و ضروری است؛ لذا هم جنبه دستوری دارد و هم جنبه اثباتی.

۳-۲-۵. بازتوزیع درآمد و ثروت

مقصود از «بازتوزیع درآمد و ثروت» سیاستی است که بر اساس آن پس از انجام تلاش‌های اقتصادی توسط افراد جامعه و تولید ثروت توسط آنها بخشی از درآمد و ثروت اغنیا از آنان گرفته شده و بین نیازمندان توزیع می‌گردد. در واقع ابتدا افراد بر اساس کار، تلاش، استعداد و مانند آن به ثروتی دست پیدا می‌کنند و در مرحله بعد، به منظور رفع فقر و ایجاد توازن نسبی ثروت و درآمد بین اقشار گوناگون، بخشی از درآمد ثروتمندان، بین طبقات ضعیف‌تر توزیع می‌گردد. به همین دلیل این شیوه را «سیاست بازتوزیع» یا «توزیع مجدد» نامیده‌اند.

در اسلام آیات و روایات فراوانی در مورد توزیع مجدد درآمد و ثروت و اینکه بخشی از دارایی ثروتمندان، حق نیازمندان می‌باشد، وجود دارد از جمله بیان نورانی امام صادق علیه السلام که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی اغنیا و فقیران را در اموال، شریک هم قرار داده است؛ بنابراین اغنیا حق ندارند اموال را به غیر شرکای خود بدهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۵) که با توجه به همین روایت مرحوم امام خمینی علیه السلام این‌گونه بیان می‌کند «مگر نه این است که مال مورد شرکت مشاع است، پس فقرا در مال اغنیا شرکت دارند. کسی که حقوق مالی خود را پرداخت نکرده است، سهمی که می‌بایست پرداخت کند، به‌صورت مشاع در دست اوست و در صورت عدم پرداخت، به‌صورت تصاعدی افزایش پیدا می‌کند تا آنجا که اگر کلیه اموالشان را هم بدهند باز بدهکارند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۳۰۳).

از جنبه دیگر اسلام به مواسات در بین مردم تأکید فراوانی دارد تا آنجا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «کسی که دو لباس دارد یکی را خود بپوشد و دیگری را به برادر دینی خویش بپوشاند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۴). با عنایت به آنچه ذکر شد اگر

در جامعه‌ای نیازمند وجود داشته باشد قطعاً دستورات اسلام به‌خوبی اجرا نشده است و به تبع آن عدالت آن‌گونه که باید و شاید جاری نگشته است.

۳-۲-۶. توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه

عدالت و رفاه اقتصادی همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است و با سرعت یافتن رشد اقتصادی در جهان و تعاملات برگرفته از دگرگونی‌های جهانی شدن از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند. در تعالیم اسلامی نیز عدالت و رفاه در کنار هم و از نیازمندی‌های همه مردمان به شمار می‌رود* و نتیجه عدالت، جامعه همراه با رفاه معرفی می‌شود؛ چنان‌که امام علی علیه السلام درباره کوفه پس از برقراری عدالت می‌فرماید: «هیچ کس در کوفه نیست که زندگی او سامانی نیافته باشد، پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و خانه دارند و از بهترین آب آشامیدنی استفاده می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷).

به تعبیر دیگر به بیان روایات توسعه و گشایش در زندگی مردم،** چندبرابرسدن برکات*** و آبادانی کشورها**** که زمینه‌ساز برقراری رفاه در جامعه می‌باشند در گرو برقراری عدالت است و از طرف دیگر در جایی که عدالت برقرار نباشد، آبادانی پدید نخواهد آمد؛***** یعنی تنها به عدالت، رشد و توسعه و رفاه و آبادانی به‌طور کامل محقق می‌شود.

۴. معرفی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی

در این بخش شاخص‌هایی که قدرت توضیح‌دهندگی مؤلفه‌های ذکرشده شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی را دارند، بیان می‌شوند.

*. قال الصادق علیه السلام: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرَأَ إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخُصْبُ»: سه چیز است که همه مردمان به آن نیازمندند: امنیت و عدالت و فراوانی (رفاه) (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۰).

** قال أمير المؤمنين علیه السلام: «فِي الْعَدْلِ سَعَةٌ» (امام علی بن‌ابی‌طالب، ۱۴۱۴ق، ص ۵۷).

*** قال أمير المؤمنين علیه السلام: «بِالْعَدْلِ تَنْضَاعُ الْبَرَكَاتُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶).

**** قال أمير المؤمنين علیه السلام: «مَا عُمِرَتِ الْبِلَادُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۲۰).

***** قال أمير المؤمنين علیه السلام: «لَا يَكُونُ الْعِمْرَانُ حَيْثُ يُجُورُ السُّلْطَانُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۸).

۴-۱. شاخص توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها

مرحله قبل از فرایند تولید شامل ویژگی‌های ذاتی، نظام اجتماعی، ویژگی‌های اکتسابی (بروز استعدادها) و توزیع منابع طبیعی (نهاده‌های تولید) می‌باشد؛ لذا منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها یا کارایی‌ها باید به صورت منصفانه توزیع شود که این کارایی از راه‌هایی مانند فعالیت‌های گذشته و توانایی‌های لازم در حوزه خاص و ... احراز می‌شود. بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که بحث در مورد عدالت قبل از فرایند تولید، اشاره‌ای به وجود عدالت در قابلیت‌های افراد و جوامع مختلف دارد. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند قابلیت‌ها را تبیین نماید، «شاخص فیزیکی کیفیت زندگی» می‌باشد که متشکل از امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر کودکان و نرخ باسوادی است. شاخص دیگری که می‌تواند مکمل توضیح‌دهندگی وجود عدالت در مرحله قبل از تولید باشد، «میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی» است. این شاخص بیانگر میزان بهره‌مندی از آب، برق، گاز، تلفن ثابت و همراه، اینترنت و ... می‌باشد. توزیع نابرابر عوامل تولید طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد است؛ بنابراین به منظور عادلانه‌کردن توزیع درآمد، باید قبل از تولید، عوامل تولید به صورت برابر میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع گردد.

۴-۲. شاخص توجه به حق منابع و عوامل تولید

همان‌گونه که بیان گردید، برای عادلانه‌بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نگردد تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و ...) به صورت بهینه استفاده کرد؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را حداکثر نمود. میزان بهره‌وری را می‌توان به کمک شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (Total Factor Productivity) اندازه‌گیری نمود. شایان ذکر است که رشد بهره‌وری کل عوامل، علاوه بر رشد کمی نهاده‌های تولید، یکی از منابع مهم تأمین‌کننده رشد اقتصادی در سطح کلان می‌باشد و در واقع به نوعی مدیریت استفاده از منابع تولید را نشان می‌دهد (مقدم تبریزی و ولی‌زاده زونوز، ۱۳۸۵، ص ۱۸). روند کاهشی بهره‌وری به معنی عدم تحقق

رشد قابل حصول و استفاده غیر اصولی از منابع و اتلاف آن می‌باشد. عدم توجه به این واقعیت‌ها ما را در ارزیابی میزان تحقق عدالت در کشور به ارزیابی غیر واقعی دچار می‌سازد. شاید یکی از علل عدم مطابقت شاخص‌های مشهور عدالت نظیر ضریب جینی، شاخص رفاه و ... با ارزیابی مردم عدم توجه به میزان اتلاف منابع و عدم تحقق ثروت مورد انتظار است. توزیع عادلانه درآمدها بدون توجه به این شاخص به معنی توزیع عادلانه فقر است (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲).

۴-۳. شاخص توجه به حق نسل‌های آینده

استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، هنگامی که همراه با حفظ محیط زیست و رعایت حقوق نسل‌های آینده باشد، مورد تأیید است و هدف متعالی اسلام بر خوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی است؛ یعنی نه رفاه نسل حاضر به خاطر برقراری رفاه نسل‌های بعد، تحت الشعاع قرار بگیرد و نه رفاه نسل‌های آینده به خاطر رفاه نسل حاضر، کاهش یابد؛ لذا نسل حاضر باید بتواند در عین استفاده از منابع طبیعی حداقل به همان میزان، دیگر سرمایه‌ها را پدید آورد تا عدالت مراعات شده باشد؛ یعنی هم خود بهره‌مند شود و هم برای نسل‌های آینده میراثی به جای گذارد؛ بنابراین لازم است درآمدهای حاصل از منابع طبیعی پایان‌پذیر را در امور زیربنایی سرمایه‌گذاری نماید و مخارج مصرفی خود را از بازدهی آن سرمایه‌گذاری‌ها تأمین کند. با این مقدمه به نظر می‌رسد شاخص «نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی» بیانگر مناسبی برای سنجش میزان رعایت عدالت در این عرصه باشد.

۴-۴. شاخص سهم بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت

منظور از سهم‌بری عوامل تولید، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع تابعی درآمد است که در آن سعی می‌شود سهم عوامل تولید از درآمد ملی، توضیح داده شود. با توجه به اینکه شاخصی که به تنهایی بتواند در این مورد توضیح‌دهندگی کامل داشته باشد، وجود ندارد؛ لذا می‌توان از شاخص «نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی»، بهره گرفت که در آن جبران خدمات کارکنان (Compensation of

employees) عبارت از پاداش‌های درونی و بیرونی است که در مقابل خدمت کارکنان در سازمان به‌طور منصفانه و عادلانه به آنها پرداخت می‌شود (سید جوادین، ۱۳۷۳، ص ۵۰).

۴-۵. شاخص بازتوزیع درآمد و ثروت

از آنجایی که بی‌عدالتی در بازتوزیع درآمد و ثروت، موجب بروز بی‌عدالتی در مصرف و در نهایت فقر در جامعه می‌گردد، می‌توان از شاخص فقر به عنوان نشان‌دهنده عدالت در بازتوزیع درآمد و ثروت استفاده نمود؛ زیرا فقر معلول کمبود درآمد و نیز توزیع ناعادلانه آن است. شاخص فقر پیشنهادی، شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT) می‌باشد. علت انتخاب این شاخص نشان‌دادن نسبت افراد فقیر و عمق فقر در جامعه مورد مطالعه است که توسط فوستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) پیشنهاد گردیده است. آنها تجزیه‌پذیری را از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب می‌دانستند؛ به‌طوری‌که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت (خسروی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

۴-۶. شاخص توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه

در ادبیات مربوط به توابع رفاه اجتماعی، معیارهای متنوعی مطرح شده است؛ اما تابع رفاه آمارتیاسن به دلیل مبانی نظری قوی و معرفی آکسیوم‌های رفاه اهمیت زیادی دارد. آمارتیاسن تابع رفاه اجتماعی را به‌صورت تابعی از مطلوبیت‌های افراد تعریف می‌کند که ناشی از موقعیت‌های اجتماعی اشخاص است؛ بنابراین باید شاخص رفاه آمارتیاسن که از طریق رابطه $W = \mu(1-G)$ محاسبه می‌شود، استفاده گردد. در این رابطه μ بیانگر درآمد سرانه واقعی و G معرف ضریب جینی است و $(1-G)$ نشانگر بهبود توزیع درآمد است و μG نشان‌دهنده هزینه نابرابری است (Lubrano, 2017, p.5).

جدول ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های شاخص توضیح‌دهنده شاخص ترکیبی عدالت

مرحله	مؤلفه عدالت	شاخص توضیح‌دهنده
قبل از تولید	توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها	شاخص فیزیکی کیفیت زندگی
		میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی
حین تولید	توجه به حق منابع و عوامل تولید	بهره‌وری کل عوامل تولید
	توجه به حق نسل‌های آینده	شاخص نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی
	سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت	شاخص نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی
بعد از تولید	بازتوزیع درآمد و ثروت	شاخص فوستر، گریر و توربک
	توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه	شاخص رفاه آمارتیا سن

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

در هر حال انتظار همراهی مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (PQLI)، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)، شاخص رفاه آمارتیا سن، سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی و نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی و همراهی منفی شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT) با روند عدالت وجود دارد.

۵. خلاصه و نتایج

این مقاله با هدف معرفی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی با طرح این پرسش آغاز شد که «مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی کدامند؟» آنگاه این مؤلفه‌ها با مراجعه به ادبیات اقتصادی و اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی به‌طور کلی و عدالت اقتصادی به‌طور خاص مورد کنکاش جدی قرار گرفت تا بتوان به آزمون نظری

فرضیه تحقیق یعنی «توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشند» پرداخت. در گام نهایی بر اساس این مؤلفه‌ها، چارچوب کلی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی معرفی گردید و نتایج زیر به دست آمد:

✓ عدالت اقتصادی به‌طور موسع را می‌توان این‌گونه تعریف نمود که «عدالت اقتصادی دادن حق هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه منابع، امکانات و فرصت‌ها با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی؛ قبل از تولید، در فرایند تولید و پس از تولید، می‌باشد».

✓ توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی می‌باشد.

✓ توجه به حق منابع و عوامل تولید و همچنین توجه به حق نسل‌های آینده از مؤلفه‌های دیگر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی هستند.

✓ سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه از دیگر مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشند.

✓ انتظار همراهی مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (PQLI)، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)، شاخص رفاه *آمارتیا سن* سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی و نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی و همچنین همراهی منفی شاخص فوستر، گریر و توریک (FGT) با روند عدالت وجود دارد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. آزغ، اسماعیل، موسی آرمیده و عبدالله علامه‌ای؛ «بررسی و مقایسه انصاف و عدالت در حقوق، فصلنامه تازه‌های حقوقی»، مجله حقوقی؛ ش ۱، ۱۳۹۵.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۴. الأزهری الهروی، أبو منصور محمد بن أحمد؛ تهذیب اللغة؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
۵. پيله فروش، میثم؛ شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن (مطالعه موردی: استان قزوین)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴.
۶. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۷. توتونچیان، ایرج و حسین عیوضلو؛ «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد»، تحقیقات اقتصادی؛ ش ۵۷، ۱۳۷۹.
۸. توحیدی‌نیا، ابوالقاسم؛ «همسویی تحقق عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از درآمد منابع هیدروکربوری با رفاه اقتصادی بلندمدت در ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ دوره ۲۳، ش ۷۶، ۱۳۹۴.
۹. الجصاص، أحمد بن علی؛ أحكام القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ۱۵، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی؛ الحیة؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۳. خسروی‌نژاد، علی‌اکبر؛ «برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی»، **مدلسازی اقتصادی**؛ دوره ۶، ش ۲، ۱۳۹۱.
۱۴. خمینی، سیدروح‌الله؛ **صحیفه امام**: مجموعه آثار امام خمینی علیه‌السلام؛ ج ۱۴، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ **مفردات ألفاظ القرآن**؛ بیروت: دارالشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۶. رجایی، سیدمحمدکاظم؛ «مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی»، **معرفت اقتصاد اسلامی**؛ دوره ۵، ش ۱، ۱۳۹۲.
۱۷. رجایی، سیدمحمدکاظم و سیدمهدی معلمی؛ «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن»، **معرفت اقتصاد اسلامی**؛ دوره ۲، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۸. سیدنورانی، سیدمحمدرضا و سیداحسان خاندوزی؛ «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران»، **مجلس و راهبرد**؛ دوره ۲۳، ش ۸۵، ۱۳۹۵.
۱۹. سیدجوادین، سیدرضا؛ «تأثیر جبران خدمات در نگهداری نیروی انسانی»، **فصلنامه دانش مدیریت**؛ دوره ۲۶، ش ۱۲۳۷، ۱۳۷۳.
۲۰. امام علی‌بن‌ابی‌طالب؛ **نهج‌البلاغه**؛ به کوشش محمدبن‌حسین موسوی (سیدرضی)؛ ترجمه حسین انصاریان؛ چ ۲، تهران: پیام آزادی، ۱۴۱۴ق.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر؛ **اقتصادنا**؛ قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۹ق.
۲۲. _____؛ **اقتصاد ما**؛ ترجمه سیدمهدی برهانی؛ قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، ۱۳۹۳.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۱، چ ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.
۲۴. _____؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۵. طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد؛ **مجمع البحرین**؛ ج ۵، تهران: مکتبه المرتضویة، ۱۳۷۵.
۲۶. طوسی، محمدبن‌الحسن؛ **تهذیب الأحکام**؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۷. _____؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].

۲۸. عیوضلو، حسین؛ شاخص‌های عدالت اقتصادی؛ تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.
۲۹. فراهانی فرد، سعید؛ «عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی»، اقتصاد اسلامی؛ دوره ۷، ش ۲۵، ۱۳۸۶.
۳۰. فیومی، احمدبن محمد؛ المصباح المنیر؛ ج ۲، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۳۱. قرشی بنایی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ اسلام و نیازهای زمان؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۳۵. _____؛ مجموعه آثار (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی)؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰.
۳۶. _____؛ عدل الهی؛ ج ۴۵، تهران: صدرا، ۱۳۹۴.
۳۷. مفید، محمدبن محمد؛ الأمالی؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۸. مقدم تبریزی، ناهید و مریم ولی‌زاده زنوز؛ «بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران»، روند؛ س ۱۶، ش ۴۹، ۱۳۸۵.
۳۹. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
40. Allingham, M. G.; "The measurement of inequality"; **Journal of Economic Theory**, V5, I1, 1972.
41. Bleichrodt, Han & Eddy van Doorslaer; "A welfare economics foundation for health inequality measurement"; **Journal of Health Economics**, V25, I5, 2006.
42. Dar, Humayon A., & Saidat F. Otit; "Construction of an Ethics-augmented Human Development. Index with a Particular Reference to the OIC Member Countries"; **Economic Research Paper**, No. 02-14, Loughborough, 2002.

43. Enste, D.H. & J. Wies; **International Justice Monitor 2013**: A comparison of 28 countries for the years 2000 to 2012 across six justice dimensions; Köln, 2013
44. Jasso, Guillermina; **Studying Justice**: Measurement, Estimation, and Analysis of the Actual Reward and the Just Reward; IZA Discussion Paper No. 2592, 2007.
45. Kauder, Björn & Niklas Potrafke; “Globalization and Social Justice in OECD Countries”; **Review of World Economics**, V151, I2, 2015.
46. Kluegel, James R. & Petr Mateju; **Egalitarian vs. inegalitarian principles of distributive justice**; Social Justice and Political Change: Public Opinion in Capitalist and Post-Communist States, New York, 1995.
47. Kornienko, Alla A. & Evgeniya V.Syryamkina; “Justice as an indicator of well-being in modern society”; **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, V166, 2015.
48. Lubrano, Michel; **The econometrics of inequality and poverty**; Lecture 3: Welfare functions, inequality and poverty; 2017.
49. Merkel, Wolfgang & Heiko Giebler; “Measuring Social Justice and Sustainable Governance in the OECD”; In book: **Theory and Practice of the Welfare State in Europe in 20th Century**, Publisher: HISTORICKY USTAV, 2014.
50. Morris, David; **Measuring the Conditions of the World Poor, the Physical Quality of Life Index**; New York: Pergaman Press, 1979.

51. Schraad-Tischler, Daniel, Christof Schiller, Sascha Matthias Heller & Nina Siemer; **Social Justice in the EU Index Report 2017**; Germany: Social Inclusion Monitor Europe, Bertelsmann Stiftung, 2017.
52. Smith, Michael L.; “Perceived corruption, distributive justice, and the legitimacy of the system of social stratification in the Czech Republic”; **Communist and Post-Communist Studies**, V43, I4, 2010.
53. Thorbecke, Erik, James Foster & Joel Greer; “A Class of Decomposable Poverty Measures”; **Econometrica**, V52, I3, 1984.
54. Unterhalter, Elaine; “Global inequality, capabilities, social justice: The millennium development goal for gender equality in education”; **International Journal of Educational Development**, V25, I2, 2005.